

# امید رهایی نیست

اشاره:

«وضعیت فعلی ما به نحوی است که گویا مقابل یک دیوار بتونی بلند ایستاده‌ایم و مرتب آن را هل می‌دهیم و خودمان را خسته می‌کنیم بدون این که دیوار کوچک‌ترین حرکتی کند، دیوار هیچ تکانی نخواهد خورد و فقط انرژی ما روز به روز تحلیل می‌رود.»

مدیرعامل شرکت کاسپین رز ضمن بیان مطلب فوق ادامه می‌دهد: «پایه اقتصاد هر کشوری، تولید واقعی است نه عرق ریختن برای تکان خوردن دیواری که خودتان هم می‌دانید هیچ‌گاه حرکت نخواهد کرد! در این فاصله، سایر کشورها به سرعت مراحل رشد و توسعه صنعتی را پشت سر می‌گذارند بدون این که ابزار خارق‌العاده یا مخصوصی داشته باشند که ما به آن دسترسی نداریم. نکته مهم، وجود قصد و تصمیم جدی برای اصلاح و بهبود شرایط صنعتی و اقتصادی است که متأسفانه به نظر می‌رسد در کشور وجود ندارد.»

وی که از بروکرسی‌های اداری گمرکات و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و ضد تولید بسیار گلایه‌مند بود، ابراز می‌دارد: «مشخص نیست که چه سرنوشتی در انتظار تولید، اقتصاد و صنعت کشور است. اگر تا ۵-۴ سال پیش، امیدی نسبت به بهبود شرایط داشتیم اما در حال حاضر این امید بسیار کمرنگ شده است.» متن کامل این مصاحبه از نظر تان می‌گذرد:

## ۴ بیوگرافی و شروع فعالیت در صنعت نساجی

متولد سال ۱۳۴۴ در تهران و دانش‌آموخته رشته‌های مدیریت و کامپیوتر در سوئیس هستم؛ فعالیت خود را در «شرکت رنگرزی، چاپ و تکمیل پارچه هل» که متعلق به زنده‌یاد پدرم بود، آغاز کردم. در شروع جنگ، ماشین‌آلات کارخانه‌های نساجی فرسوده و مستهلک نشده بودند و هنوز صنعت نساجی ایران، نامی معتبر و ارزشمند به شمار می‌آمد، البته محدودیت‌های بسیاری به دلیل جنگ وجود داشت اما شرایط تولید و بازار در آن سال‌ها، قابل مقایسه با هیچ کشور دیگری در منطقه نبود.

پس از اتمام جنگ و دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، کم و بیش شرایط تولید بهتر شد، این شرایط تا اوایل دولت آقای احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد و تحلیل و ضعف تولید در همین سال‌ها به تدریج آغاز شد تا امروز که نتیجه‌اش را به خوبی مشاهده می‌کنید! مشخص هم نیست که چه سرنوشتی در انتظار تولید، اقتصاد و صنعت کشور است. اگر تا ۵-۴ سال پیش، امیدی نسبت به بهبود شرایط داشتیم اما در حال حاضر این امید بسیار کمرنگ شده است.

## ۴ چرا؟ چطور به این نتیجه رسیده‌اید که امید چندانی به آینده وجود ندارد؟

در سال ۱۳۹۲، کارخانه کاسپین تکمیل رز را راه‌اندازی کردم. به دلیل قیمت تمام شده بسیار بالا، امکان رقابت با محصولات وارداتی را نداریم به همین دلیل علی‌رغم داشتن کیفیت، امکان فعالیت گسترده در بازار وجود ندارد.

قیمت تمام شده بالا در حالی اتفاق می‌افتد که تمام تلاش خود را برای صرفه‌جویی در تولید و کاستن از هزینه‌های اضافی به عمل می‌آوریم اما عوامل خارج از توان و کنترل تولیدکننده، ما را به این نتیجه می‌رساند که عزم راسخی برای رفع مسائل و مشکلات تولید و صنعت وجود ندارد. متأسفانه ناامیدی نسبت به آینده فراگیر شده و گویا حرکت به سمتی پیش می‌رود که رونق و توسعه واردات را به همراه دارد. هزینه‌های بی‌مورد تحمیلی در خارج از کارخانجات تولیدی نیز



به‌عنوان یک تولیدکننده نیازمند تهیه مواد اولیه، ماشین‌آلات صنعتی، لوازم یدکی و ... هستیم؛ در شرایطی که اغلب نهادها و سازمان‌های دولتی شعار حمایت از تولید را سر می‌دهند، کاملاً برعکس این شعار، رفتار می‌کنند و برای واردات یک دستگاه یا قطعه، آن قدر با موانع و مشکلات مختلف روبرو می‌شویم که عملاً امیدمان نسبت به آینده را از دست می‌دهیم

دائماً بیشتر می‌شود و کالای تولید ایران را گران‌تر می‌کند یکی از مهم‌ترین مسائلی که در هر کشوری باید رعایت شود، عدالت در تمام زمینه‌های صنعتی، تولیدی، اقتصادی، اجتماعی و ... است. عدالت یعنی واردکنندگان شرایط و موقعیت یکسان نسبت به هم‌دیگر داشته باشند اما زمانی که برخی واردکنندگان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، کالاهای مختلف را وارد کشور می‌کنند اما بقیه باید تحت شرایط بسیار دشوار و پس از پرداخت مالیات و عوارض متعدد، موفق به واردات شوند؛ با بی‌عدالتی مواجه خواهیم بود. ما، واردکننده و تاجر نیستیم اما به‌عنوان یک تولیدکننده نیازمند تهیه مواد اولیه، ماشین‌آلات صنعتی، لوازم یدکی و ... هستیم؛ در شرایطی که اغلب نهادها و سازمان‌های دولتی شعار حمایت از تولید را سر می‌دهند، کاملاً برعکس این شعار، رفتار می‌کنند و برای واردات یک دستگاه یا قطعه، آن قدر با موانع و مشکلات مختلف روبرو می‌شویم که عملاً امیدمان نسبت به آینده را از دست می‌دهیم.

دستگاه‌های مورد نیاز شرکت را در اوج تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از اروپا تهیه کردیم. دستگاه‌ها به ایران می‌رسیدند اما در بندرعباس علی‌رغم داشتن کلیه مجوزها متوقف می‌ماندند. به نظرم بزرگ‌ترین تحریم‌های تاریخ بشریت که همگان به آن اذعان دارند، صرفاً یک درصد در ایجادمشکل کارخانه کاسپین تکمیل سهیم هستند. بخش عمده موانع تولید ناشی از مسائل داخلی کشور هستند و تمام بخش‌های مربوط به واردات ماشین‌آلات،

سنگ‌اندازی‌های خاص و بی‌نظیر خود را دارد! تعدادی از دستگاه‌های ما بدون این که هنوز دلیلش را بدانم حدود ۵ ماه در گمرک باقی ماند و هزینه‌های سنگینی هم بابت انبارداری آن پرداختیم! در حالی که برای خرید آن نه از ارز دولتی استفاده کرده بودیم و نه مشکل قانونی خاصی در روند فعالیت‌های ما وجود داشت. دستگاه موردنیاز ما روی کاغذ از پرداخت عوارض گمرکی معاف است اما ای کاش ۳۰-۲۰ درصد عوارض گمرکی از ارزش واقعی را پرداخت می‌کردیم اما می‌توانستیم همان روز اول بدون این‌همه گرفتاری آن را از گمرک ترخیص نماییم. این موضوع در مورد تمام دستگاه‌هایی که وارد کرده‌ایم، مصداق دارد.

آخرین دستگاه چاپ ما، بهمن سال گذشته از اروپا وارد بندرعباس شد اما مراحل دریافت مجوزهای ترخیص آن باورکردنی نیست. مسئولان اعتقاد دارند چون دستگاه نام چاپ را دارد باید از وزارت ارشاد مجوزهای مرتبط را دریافت کنیم. علاوه بر کلیه مجوزهای لازم، باید از اداره ارشاد نیز مجوز می‌گرفتیم. نامه درخواست ما از اداره ارشاد استان قزوین (کارخانه در قزوین قرار دارد) باید به اداره ارشاد استان تهران و سپس به اداره ارشاد بندرعباس ارسال می‌شد، در مجموع ۵۷ مرحله اداری را پیش از ترخیص دستگاه پشت سر گذاشتیم که مسئولین محترم حتی حوصله خواندن آن را هم ندارند در حالی که ما مجبور شدیم تمام این مراحل را طی کنیم. این مراحل حتی در پست‌ترین اقتصادهای دنیا نیز وجود ندارند و اگر نوابغ گیتی را برای وضع قوانین بر علیه صنعت بسیج کنند، بهتر از این نمی‌توانند عمل کنند! برخی از این مراحل عبارتند از: مراجعه به سازمان صنعت قزوین جهت دریافت معرفی‌نامه به اداره ارشاد، مراجعه به وزارت ارشاد استان قزوین جهت تسلیم نامه اداره صنایع و تعیین کارشناس، تعیین وقت برای بازدید کارشناس اداره ارشاد قزوین، مراجعه مجدد برای بردن کارشناس مربوطه اداره ارشاد قزوین جهت بازدید از کارخانه، مراجعه به سایت وزارت ارشاد جهت پر کردن فرم‌های اینترنتی مرتبط، مراجعه به سایت وزارت ارشاد جهت پر کردن

فرم‌های اینترنتی مربوط به وزارت اطلاعات، مراجعه به اداره ارشاد جهت گرفتن گزارش و امضای رئیس اداره ارشاد قزوین و گرفتن نامه اداره ارشاد قزوین به اداره ارشاد تهران، مراجعه به اداره ارشاد تهران جهت ارائه توضیحات، امضا و تأییدیه چندین نفر در اداره ارشاد تهران، بررسی پرونده توسط کمیسیون مربوطه در اداره ارشاد تهران (که فقط یکشنبه‌ها تشکیل می‌شود و گاهی هم تشکیل نمی‌شود!)، مراجعه به اداره ارشاد جهت گرفتن کد ۱۴ رقمی از کارگزینی، مراجعه به اداره صنایع قزوین به همراه مجوز وزارت ارشاد جهت بررسی و صدور مجوز صنایع، پر کردن فرم اینترنتی مجوز واردات ماشین‌آلات در سایت بهین یاب، بررسی و تأیید کارشناس مربوطه در اداره صنایع قزوین و گرفتن ۵ امضا به صورت حضوری، مراجعه مجدد به همان اشخاص در اداره صنایع قزوین و ۵ نفر دیگر جهت تأیید مجدد همان مورد ولی به صورت سیستمی، گرفتن کد ۱۴ رقمی از واحد مربوطه در اداره صنایع قزوین (در مورد ما به دلیل اشتباه در تاریخ ساخت در مجوز ارشاد و چون پروفورما به دلیل معطلی‌های بسیار، تنها ۲۸ روز از اعتبار آن باقی مانده بود؛ سایت ثبت سفارش، پروفورماهایی را که کمتر از ۳۰ روز به پایش مانده قبول نمی‌کند) ناچار به تغییر پروفورما و تکرار مراحل زیر شدیم، مراجعه به وزارت ارشاد جهت باطل نمودن مجوز قبلی، مراجعه به بخش ثبت سفارشات نمایشگاه بین‌المللی جهت باطل نمودن مجوز قبلی، مراجعه به اداره ارشاد تهران و پیگیری‌های متعدد جهت باطل نمودن و صدور مجدد، مطرح شدن مجدد در اداره ارشاد تهران، گرفتن امضای چند نفر در اداره ارشاد تهران، مراجعه به اداره ارشاد تهران جهت دریافت کد ۱۴ رقمی، مراجعه به اداره صنایع قزوین جهت باطل نمودن مجوز قبلی، گرفتن امضا از کارشناس مربوطه و ۵ نفر دیگر در اداره صنایع قزوین، امضای سیستمی از کارشناس و ۵ نفر دیگر در اداره صنایع قزوین، گرفتن مجدد کد ۱۴ رقمی مجوز از اداره قزوین، ثبت سفارش در بهین یاب، مراجعه به اداره صنایع قزوین جهت صدور معافیت گمرکی و امضای کارشناسان مختلف، پر کردن فرم



تولیدکننده به راستی بی‌بدیل می‌باشد. گمرک به خوبی می‌داندست که انجام چنین کاری اشتباه است و اگر قرار بود ممنوعیتی هم اعمال شود باید از جانب گمرک ایران به زیرمجموعه‌هایش ابلاغ شود اما خارج از این سیستم، دیوان محاسبات بسیار سهل و آسان، نامه‌ای به تمام گمرکات کشور می‌فرستد بدون این‌که به عواقب آن بیندیشد.

در نهایت علی‌رغم داشتن معافیت گمرکی از اداره صنایع و وزارت ارشاد، به ناچار مالیات گمرکی به علاوه ۵۰ درصد جریمه به دلیل تغییر اظهارنامه از دارای معافیت به بدون معافیت، هزینه تخلیه دموراژ اضافه به خارجی‌ها، و خواب تریلی و... را پرداخت نمودیم تا دستگاه تولیدی از زیردست سیستمی که شعارش حمایت از تولید و اقتصاد ملی است، خارج شود.

در بالای آخرین نامه دریافتی از وزارت صنعت، عبارت «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» در مقابل چشمان ما که برای گرفتن مراحل مختلف، جانمان به لب رسیده، رژه می‌رود. اگر نتیجه ایجاد ستادهای رفع موانع تولید به تحمیل موارد بالا منجر شده، شاید بهتر باشد ستادهایی برای ایجاد موانع تشکیل گردد که قطعاً وضعیت از این بدتر نمی‌شود! در کجای دنیا چنین مرحله‌ای وجود دارد؟! در کشور ما نیز تا ۱۰ سال پیش روند واردات دستگاه‌های چاپ تا به این اندازه دشوار و گرفتار بروکراسی‌های اداری نبود. برای مثال سال ۲۰۰۴ دستگاه چاپی برای شرکت هل خریداری کردیم که ظرف ۱۰ روز بدون هیچ‌گونه

به دلایل کاری و شخصی مختلف مانند مرخصی، مأموریت، نبودن در اتاق تا پایان وقت اداری، شرکت در کنفرانس‌های مختلف، بازدید از واحدها، حضور در نمایشگاه‌های خارجی، ارسال اشتباهی نامه‌های سیستمی به اشخاص دیگر و برگرداندن مجدد نامه و... را اضافه نمایم!

جالب اینجاست که از من امتحان چاپ هم گرفتند اما ممتحنی برای چاپ پارچه وجود نداشت لذا اعلام کردند امتحان چاپ بر روی کاغذ بدهم؛ به ناچار در امتحان چاپ کاغذ شرکت کردم تا بتوانم مجوز وارد کردن دستگاه چاپ پارچه را دریافت کنم! مسئله ارتباط چاپ پارچه و کاغذ نیست و باید گفت اصلاً چرا باید چنین امتحانی برای کسی که می‌خواهد دستگاه چاپ پارچه (که از نوع دیجیتالی هم نیست) را وارد کند وجود داشته باشد.

پس از طی این مراحل و تسلیم اظهارنامه به گمرک و طی تمام عملیات گمرکی، هنگامی که ۵ کانتینر بر روی کامیون‌های بار و به درب خروج مراجعه شد، درب خروجی گمرک براساس نامه رئیس مجلس خطاب به رئیس جمهور و نامه متعاقب آن از دیوان محاسبات کشور در مورد مغایرت قانونی معافیت گمرکی ماشین‌آلات تولیدی از خروج ماشین‌آلات جلوگیری نمود و این شرکت و شرکت‌های مشابه را حوله به مجلس جهت پیگیری کردند. هزینه‌های تحمیلی بابت طی کردن این مراحل و در انتها هزینه مجدد بارگیری، تخلیه دموراژ (Demurrage) - خسارت معطلی کشتی)، انبارداری و دغدغه‌های

درخواست در سایت بهین یاب، ارسال درخواست به اداره صنایع تهران از قزوین، تعیین کارشناس در اداره صنایع تهران، مراجعه به اداره صنایع تهران به همراه مدارک جهت صدور گواهی عدم ساخت، بررسی و امضای کارشناس مربوطه و ارجاع به چند نفر دیگر، ارسال به اداره صنایع قزوین جهت مراحل صدور رهگیری، گرفتن تعهدنامه محضری از تهران و تسلیم آن به اداره صنایع قزوین، مراجعه مجدد به اداره صنایع قزوین جهت گرفتن امضاهای باقیمانده و کد ۱۴ رقمی، مراجعه به اداره ارشاد قزوین جهت تکمیل پرونده جهت مجوز چلپ برای کارخانه نساجی و گرفتن معرفی‌نامه به آگاهی و اتحادیه، مراجعه به اتحادیه چاپ‌چیان قزوین جهت گرفتن جزوه امتحان چاپ کاغذ؛ مراجعه به آگاهی جهت گرفتن سوءپیشینه، ارائه مدارک به ارشاد جهت دریافت مجوز چاپ، مراجعه به اداره ارشاد قزوین بعد از دو روز جهت گرفتن مجوز چاپ پارچه، مراجعه به اداره ارشاد تهران جهت درخواست ترخیص دستگاه چاپ، مطرح شدن پرونده در کمیسیون روزهای یکشنبه، گرفتن نامه برای اداره ارشاد هرمزگان جهت بازدید از دستگاه چاپ، مراجعه به اداره ارشاد هرمزگان جهت بازدید از کالا، مراجعه به گمرک بندرعباس به همراه نماینده ارشاد جهت بازدید و ارسال گزارش به تهران، مراجعه به اداره ارشاد تهران جهت به جریان انداختن کد ۱۴ رقمی ارشاد، مراجعه متعدد به اداره ارشاد جهت پیگیری‌های امضاهای لازم و... به موارد مذکور غیبت هر کدام از کارکنان

اقتصاد، علم پیچیده‌ای است اما از ساخت موشک و فعالیت‌های هسته‌ای که سخت‌تر و پیچیده‌تر نیست. اگر سیستم قانون‌گذاری و حاکمیتی خود را ملزم به انجام یکسری اقدامات اساسی و صحیح کند، اقتصاد کشور التیام پیدا می‌کند کما این که بسیاری از کشورها، موفق به درمان اقتصاد بیمار خود شدند

مشکلی از گمرک ترخیص و در کارخانه تخلیه شد و کانتینرها به بندرعباس بازگشتند؛ بدون این که حتی یک ریال بابت دموراژ پردازیم.

این موضوع را با مسئولان امر در گمرک ایران و معاونت گمرک بندرعباس در میان گذاشتیم اما نامه دیوان محاسبات را مقابلمان قرار دادند و گفتند طبق قانون باید این کار انجام شود ولی نگفتند در کجای قانون گفته شده گمرکات باید بدون آن که گمرک ایران بخشنامه کند بر اساس نامه‌های نهادهای مختلف رفتار کنند. اما نمی‌شود که روند طبیعی انجام یک کار را صرفاً با تکیه بر نامه‌ای که دلیل و منطق صدور آن هنوز برایمان مشخص نیست، مختل شود و صدها گرفتاری برای واردکننده دستگاه‌ها به وجود آید و مجبور به پرداخت مبالغ سنگین عوارض گمرکی و جریمه هم شویم! اگر قرار بود گرفتاری‌های تولید رفع شود، گمرکات، ده‌ها بخشنامه گمرک ایران را که برای

سهولت ارباب رجوع تنظیم شده اجرا نمی‌کند اما هنگام سنگ‌اندازی و ایجاد مانع، نظر همه را قبول می‌کند! این مورد فقط یک بخش بسیار کوچکی از مشکلات و موانع تولید است که از سوی نهادهای دولتی به ما تحمیل شده است که هم هزینه‌های مالی و هم بار روانی به همراه دارد. همان طور که می‌دانید کارخانه‌های تولیدی یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند زیرا سیستم اقتصادی فعلی آن هم در بهترین حالت شکوفایی، همین است که امروز مشاهده می‌کنید، متأسفانه شرایط نامناسب و نابسامان تولید و صنعت تداوم خواهد داشت و نه تنها به سمت اصلاح و بهبود پیش نمی‌رود بلکه به نظر می‌رسد قصد و همتی برای اصلاح امور وجود ندارد و روزهای دشوار و دشوارتری را تجربه خواهیم کرد. این از شرایط و وضعیت گمرک! اجازه دهید در مورد سیستم پرداخت مالیات نیز توضیحاتی ارائه دهیم. اگر تمام قوانین و مقررات مالیاتی را اجرا کنید باز هم مسئولان امر، تبصره و آئین‌نامه‌ای پیدا می‌کنند تا شما را ملزم به پرداخت مبالغی کنند. اگر تبصره‌ای پیدا نکنند، با تفسیری متفاوت کار خود را پیش می‌برند! شما هم چاره‌ای جز پذیرفتن آن ندارید. به‌عنوان مثال باید درصدی از مالیات اجاره به‌عنوان مالیات تکلیفی در بازه زمانی مشخص (یک ماه پس از پرداخت مالیات اجاره) پرداخت شود. وقتی اجاره نامه رسمی که تاریخ پرداخت و چک پرداختی آن کاملاً مشخص است را در اختیار دارید و در فرصت

یک ماهه هم مالیات تکلیفی را می‌پردازید، ممیز اداره مالیات تمام مستندات را مشاهده می‌کند و متوجه می‌شود همه چیز طبق روال قانونی انجام شده پس برای سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی، اعلام می‌کند باید از اداره‌ای که مالیات به آن پرداخته کرده‌اید، علی‌رغم داشتن رسید رسمی بانک نامه‌ای مبنی بر اینکه مالیات تکلیفی به حساب دولت رفته بگیرد! جو اداره مالیات به گونه‌ای است که ممیزین مالیاتی خود را موظف به یافتن ایرادی میدانند چون اگر ایرادی نیابند، خود به زیر سوال می‌روند. به یاد دارم در یک مورد، رئیس و تمام کارمندان یکی از شعبات سازمان تأمین اجتماعی می‌دانستند به اصطلاح زور می‌گویند اما با خود فکر می‌کردند کسی که دنبال گرفتن ۶۰۰ هزار تومان به این اداره و آن سازمان مراجعه نمی‌کند؛ پس کار خودمان را انجام دهیم. تنهاشکایت به دیوان عدالت اداری توانست این مسئله را حل کند. در زمانی که ما درگیر مسائل و مشکلات متعدد هستیم، گفته می‌شود افراد بسیاری نیازی به مراجعه اداره مالیات، تأمین اجتماعی، گمرکات و ... ندارند و طبقاً شرایط برای فعالیت آنان بسیار عالی و ایده‌آل است. آیا ناعدالتی اقتصادی مفهوم دیگری دارد؟!

#### «این «بسیاری از افراد» دقیقاً چه کسانی هستند؟

مسئله صنعتگر نیستند و انگیزه آنها تنها رسیدن به سود سریع حتی به قیمت نابودی تولیدات داخلی است، و تعدادشان کم هم نیست. گفته می‌شود این افراد اصولاً نیازی به قانون ندارند ولی اگر احتیاج باشد حتی قادر هستند قوانین را به نفع خودشان و به ضرر تولیدکنندگان تنظیم، تصویب و یا تفسیر کنند.

#### در حال حاضر چند دستگاه در کارخانه کاسپین تکمیل رز مشغول کار هستند؟

بخش چاپ و تکمیل مانند سایر بخش‌های نساجی از قبیل ریسندگی و بافندگی نیست یعنی ممکن است در یک کارخانه ریسندگی، ۲۰ دستگاه مشابه همدیگر وجود داشته باشد اما دستگاه‌های چاپ و



است نه عرق ریختن برای تکان خوردن دیواری که خودتان هم می‌دانید هیچ‌گاه حرکت نخواهد کرد! در این فاصله، سایر کشورها به سرعت مراحل رشد و توسعه صنعتی را پشت سر می‌گذارند بدون این‌که ابزار خارق‌العاده یا مخصوصی داشته باشند که ما به آن دسترسی نداریم. نکته مهم، وجود قصد و تصمیم جدی برای اصلاح و بهبود شرایط صنعتی و اقتصادی است که متأسفانه به نظر می‌رسد در کشور وجود ندارد.

مدتی پیش مقاله‌ای در مورد تغییر و تحولات صنعتی شوروی سابق (روسیه) و چین مطالعه کردم. ارتش شوروی سابق، بسیار قدرتمند و مجهز بود اما چندین سال پیش از فروپاشی، آمریکا با توهم انداختن در سیستم حکومتی شوروی باعث افزایش مخارج نظامی در دریای شمال شد و منابع ایشان برای مخارج غیر ضروری هزینه گردید. اما اقتصاد این کشور قدرت و توان تحمل چنین مخارج سنگینی را نداشت و یکی از مهم‌ترین دلایل فروپاشی شوروی همین موضوع بود آن هم بدون درگیری نظامی یا شلیک موشک‌های مدرن و پیشرفته! بدنه نظامی بسیار قدرتمند که روی پایه‌های لرزان اقتصاد قرار داشت، نتوانست به حیات خود ادامه دهد و از بین رفت.

سال‌های بعد، چین از این تجربه تلخ و سنگین، عبرت گرفت و سیاستمداران چینی (به معنی واقعی کلمه) به مردم خود خدمت کردند و این کشور را به جایی رساندند که امروز یکی از قطب‌های اقتصادی دنیا محسوب می‌شود. در دنیای امروز، «اقتصاد» اساس قدرت کشورها به شمار می‌آید. تاریخ به کرات نشان داده که قدرت واقعی در اقتصاد است. رئیس‌جمهور فعلی آمریکا که مقابل مقامات عربستان، سر خم می‌کند و رقص شمشیر می‌کند، نه علاقه‌ای به مسلمانان دارد، نه شیفته اعراب است و نه به اصطلاح کشته و مرده فرهنگ رقص شمشیر اعراب! بلکه مقابل دلارهای عربستان کرنش می‌کند. این‌که دلارهای مذکور از چه طریق به دست آمده و چگونه بهره برداری می‌شود، موضوع صحبت ما نیست اما عربستان علی‌رغم زیرپا گذاشتن

#### «به‌عنوان تحصیلکرده رشته مدیریت در خارج کشور که با اصول و مبانی تئوری مدیریت آشناست و همچنین یک تولیدکننده که سال‌های بسیاری در صنعت مشغول کار است، فکر می‌کنید برای بهبود اقتصاد کشور در گام نخست چه باید کرد؟»

جواب این سوال ساده و بسیار مشخص است. اقتصاد دانان و اساتید برجسته و متبحر کشور به خوبی می‌دانند بسیاری قوانین و جو اقتصادی کشور غیرمعقول و غیرعادی است. راه حل مشخص و واضح است و پیچیدگی خاصی ندارد.

«نوام چامسکی (Noam Chomsky) - فعال سیاسی آمریکایی» در یکی از سخنرانی‌های خود تحت عنوان «چگونه یک اقتصاد را نابود کنیم؟ How to ruin economy» نکات قدرت اقتصادهای قوی را مشخص و با بررسی تک تک این نقاط، شرح داده که چگونه می‌توان چنین اقتصادی را به زیر کشید. البته ایشان در مورد اقتصادهای قوی صحبت می‌کند و این موارد را به منظور جلوگیری از سقوط چنین اقتصادهایی ذکر می‌کند. امروز به هر اداره و سازمان دولتی که مراجعه می‌کنید، انبوهی از افراد را می‌بینید که این حجم از پرسنل، نه تنها مطابق با استاندارد کشورهای اروپایی نیست بلکه قابل مقایسه با کشورهای در حال توسعه، زیر توسعه و در ته صف توسعه یافته هم نمی‌باشد! هزاران کارمندی که پشت میزهای خود نشسته‌اند و کار خاصی هم انجام نمی‌دهند! یک سازمان آئین‌نامه‌ای صادر می‌کند و اداره دیگر، با صدور تبصره‌ای آن را نقض می‌کند! و همزمان اداره سوم با یک تفسیر متفاوت گره‌گور جدیدی ایجاد می‌کند. این مسأله در تمام اداره‌های دولتی مصداق دارد. وضعیت فعلی ما به نحوی است که گویا مقابل یک دیوار بتونی بلند ایستاده‌ایم و مرتب آن را هل می‌دهیم و خودمان را خسته می‌کنیم بدون این‌که دیوار کوچک‌ترین حرکتی کند، دیوار هیچ تکانی نخواهد خورد و فقط انرژی ما روز به روز تحلیل می‌رود. پایه اقتصاد هر کشوری، تولید واقعی

تکمیل بسیار متنوع هستند به همین دلیل نمی‌توان تعداد آنها را شمرد. در مجموع فکر می‌کنم ۲۰ دستگاه در کارخانه ما وجود دارد. اخیراً بخاطر نیاز به یک قطعه جایگزین برای یک دستگاه، با فروشنده دستگاه که نماینده یک شرکت معتبر خارجی است، در میان گذاشتیم، وی چند شرکت را نام برد و گفت: «این شرکت‌ها از هر گونه رسیدگی گمرکی معاف هستند و اگر نام شرکت شما در این فهرست قرار داشت؛ مشکلی برای ترخیص دستگاه مورد نیاز شما وجود نداشت در غیر این صورت، باید کلیه مراحل قانونی را طی کنید.» باز هم یک ناعدالتی دیگر! تا زمانی که چنین شرایطی حکمفرماست هیچ‌گاه بنیه تولیدی و اقتصادی یک کشور، قدرتمند نخواهد شد. وضعیت به نحوی است که ۲۰ سال پیش صنعت نساجی ایران را با آلمان، ایتالیا و ... مقایسه می‌کردیم، ۱۰ سال پیش، ملاک مقایسه ما ترکیه بود اما امروز که به هیچ وجه قادر به رقابت کیفی و قیمتی با صنعت نساجی و پوشاک ترکیه نیستیم. مسلماً در امر سیستم صادراتی و کیفیت حتی قابل مقایسه با پاکستان و بنگلادش نیز نیستیم ولی از لحاظ قیمت تمام شده با اروپا به راحتی برابری می‌کنیم. در تمام مدت زمانی که اینجانب از این اداره به آن اداره برای گرفتن مشغول دویدن بودم، رقیب پاکستانی ماشین‌آلات خود را خرید، به پاکستان برد، راه‌اندازی کرد و مشغول گرفتن سفارش از ZARA شد.

#### «فکر می‌کنید رفع موانع و مشکلاتی که بخشی از آنها مورد اشاره شما قرار گرفت؛ غیرممکن است؟»

خیر. به هیچ وجه غیر ممکن نیست و تنها اراده آن را می‌خواهد. اقتصاد، علم پیچیده‌ای است اما از ساخت موشک و فعالیت‌های هسته‌ای که سخت‌تر و پیچیده‌تر نیست. اگر سیستم قانون‌گذاری و حاکمیتی خود را ملزم به انجام یکسری اقدامات اساسی و صحیح کند، اقتصاد کشور التیام پیدا می‌کند کما این‌که بسیاری از کشورها، موفق به درمان اقتصاد بیمار خود شدند.

دریافت وام با سیستم فعلی اقتصاد (اگر مینا را بر قصد اولیه به بازگرداندن وام بدانیم)، به معنای نابودی است و بهتر است فعالیت کارخانه متوقف شود تا زیر بار بدهی به بانکها برود. وام گرفتن در این سیستم، کارخانه‌های مشکل‌دار را به کارخانه‌های مشکل‌دار بدهکار تبدیل کرده است. اگر همان وام را در هر کار دیگری درگیر کنیم، سود آن به مراتب بیشتر خواهد بود

مسائل مربوط به حقوق بشر و ... با هیچ اعتراضی از سوی رئیس جمهور آمریکا مواجه نیست. این موضوع به خوبی بیانگر قدرت ثروت است آن قدر که فردی در سطح رئیس جمهور آمریکا را مجبور به تعظیم می‌کند. تقریباً در اغلب حوادث تروریستی دنیا، عربستان حضور فعال دارد اما چشم دنیا به دلیل دلارهای فراوان روی این حقیقت بسته شده و ایران مواخذه می‌شود و مورد تهدید بین‌المللی قرار می‌گیرد!

کشوری مانند ترکیه، سال‌های نه چندان دور، تورم ۱۳۰ درصدی را تجربه می‌کرد اما سیاستمداران و متولیان امر آن را اصلاح کردند. پس اقتصاد بیمار ایران نیز، بشرط قصد واقعی، قابل درمان است. راه‌حل آن هم در تصویب یک مصوبه و قانون به خصوص نیست. اقتصاد قوی بخاطر وجود یک قانون بخصوص به وجود نمی‌آید و این‌طور نیست که سایر کشورها آن قانون را کشف و وضع کرده باشند ولی ما هنوز آن را در نیافته باشیم و به همین دلیل هر روز یک قانون جدید تصویب کنیم تا بلکه به آن قانون طلایی برسیم. امید چندانی به آینده ندارم و فکر نمی‌کنم بهبودی در وضعیت تولید صورت گیرد. تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری کارگران ادامه می‌یابد، قوانین و بخشنامه‌ها یکی بعد از دیگری می‌آیند بدون این که هیچ‌کدام تاثیر مثبتی بر تولید و اقتصاد داشته باشند بلکه گره‌ای اضافه خواهند کرد. انتظار حمایت از صنعت، توهمی بیش نیست و با سمینار و بخشنامه و قوانین کوتاه‌بینانه، اقتصاد و صادرات فعال نمی‌شود.

اخیرا نیز همه نگاه‌ها و تقصیرها بر روی واردات

قاچاق متمرکز شده. قاچاق صدمه می‌زند و باید جلوی آن را گرفت ولی راه مقابله با قاچاق، بگیری و بند و رفتارهای دستوری نیست. تعرفه‌های بالا نیز در هیچ کجای دنیا باعث خوشبختی اقتصاد نشده و ما شاهد هستیم که اتفاقاً تمام کشورهایی که معدل تعرفه گمرکی بالا دارند جزو بدبخت‌ترین و فقیرترین کشورها هستند و بنادر آزاد همگی ثروتمند هستند. تنها تولید داخلی با قیمت رقابتی و با کیفیت متناسب می‌تواند جلوی قاچاق را بگیرد و نیازی به مقابله نیست. انواع و اقسام هزینه‌های تحمیلی مالی بر تولید کننده در کشور بخاطر وجود قوانین فعلی بسیار بالاست و کالا گران تولید می‌شود. از لحاظ روانی هم تولید کننده آنچنان در اداره‌ها، کمیسیون‌ها، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، تأمین اجتماعی و گمرکی درگیر است که دیگر فکری برای نوآوری و ابتکار باقی نمی‌ماند. اساس و پایه تمام مشکلات صنعت، همین دو مورد است. هیچکس مخالف پرداخت مالیات عادلانه، حق بیمه عادلانه، تعرفه گمرکی عادلانه، استاندارد سازی منطقی و حقوق کارگری عادلانه نیست و باید وجود داشته باشند. در تمام کشورها این مسأله تا حد زیادی رعایت می‌شود و فقط تعدادی انگشت شمار در ته همه آمارها هنوز با خودشان کلنجار می‌روند و تقصیر را بر گردن دیگران می‌اندازند. فقط و فقط قیمت تمام شده (ریالی و روانی) پایین، روند قاچاق را متوقف خواهد کرد.

اما برخی مسئولان دولتی، تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای بخش خصوصی را به دلیل سوءمدیریت می‌دانند نه وجود بروکراسی‌های اداری، قوانین متناقض و ضد تولید! حتی مدیران یکی از معتبرترین و خوش‌نام‌ترین کارخانه‌های نساجی کشور که مشکلات فراوان از قبیل فشارهای مالیاتی و ... آنان را مجبور به توقف تولید و تعطیلی کارخانه کرد (که در شماره‌های قبل نساجی امروز مصاحبه مفصلی با مدیرعامل آن انجام دادیم)،

متهم به سوءمدیریت شدند... دیدگاه شما در این مورد چیست؟ مدیران بخش خصوصی سهمی در ایجاد یأس صنعتی و تعطیلی کارخانه‌های تولیدی دارند؟!

بله این موضوع را شنیده‌ام اما هیچ‌گاه فکر نمی‌کنم مدیران این کارخانه از عمد و به طور کاملاً برنامه‌ریزی شده به نحوی کار کردند که منجر به تعطیلی واحد تولیدی‌شان شود. البته افرادی را دیده‌ام که صرفاً با هدف دریافت وام و تسهیلات بانکی، اعلام حضور کرده‌اند و پس از دریافت وام، بدون این که کوچک‌ترین فعالیت موثر و مثبت در صنعت داشته باشند از میدان تولید خارج شده‌اند؛ در واقع شرایط به نحوی است که سوءرفتارها تشویق می‌شوند.

سال ۱۳۸۸ طی صحبت با حسابدار یک شرکت دیگر، وی عنوان داشت: «کارخانه‌ای با ۱۲۰ کارگر داشتیم و به تولید ادامه می‌دادیم. اما در مقطعی از زمان، مدیران شرکت ۲۴ میلیارد تومان وام بانکی گرفتند اما از فردای همان روز، هیچ‌کدام به کارخانه مراجعه نکردند و هیچ اثری از آنان پیدا نکردیم! و حتی یک قسط را هم پرداخت نکردند».

تولید کننده واقعی نمی‌تواند از اینگونه وام‌ها استفاده کند چون به هیچ وجه نمی‌توانم تصور کنم فعالیت صنعتی سالمی در ایران وجود داشته باشد که از عهده بازپرداخت بهره‌های سنگین بانکی برآید. به نظر اینجانب دریافت وام با سیستم فعلی اقتصاد (اگر مینا را بر قصد اولیه به بازگرداندن وام بدانیم)، به معنای نابودی است و بهتر است فعالیت کارخانه متوقف شود تا زیر بار بدهی به بانکها برود. وام گرفتن در این سیستم، کارخانه‌های مشکل‌دار را به کارخانه‌های مشکل‌دار بدهکار تبدیل کرده است. اگر همان وام را در هر کار دیگری درگیر کنیم، سود آن به مراتب بیشتر خواهد بود و این اتفاقی است که در کشور رخ داده است.

در این مورد که مسئولان دولتی، سوءمدیریت یک کارخانه شناخته شده و خوش‌نام را دلیل اصلی توقف تولید می‌دانند، باید از آنان پرسید پس چرا کارخانه‌های بزرگی مانند نساجی بروجد را به بحران



فعالیت آزادانه بخش خصوصی شده‌ایم.

#### ۴ این شرایط نامساعد اقتصادی را طی سال‌های جنگ و پس از آن تجربه کرده‌اید؟

کمتر زمانی بوده که من ناامیدی را به این صورت در بین فعالان تولید مشاهده کنم! در زمان جنگ مشکلات نقل و انتقال پول به دشواری امروز نبود ولی مشکلات متفاوتی وجود داشت. در قبال آن امید وجود داشت. متأسفانه بدترین روزهای اقتصادی کشور را تجربه می‌کنیم.

#### ۴ مطلب نهایی

سیستم تولیدی، اقتصادی، بانکی و اداری فعلی نیاز به بازنگری و تعریف جدید دارد. ما در دنیا تنها کسی نبوده‌ایم که با این وضعیت مواجه گشتیم و بسیاری از کشورها توانسته‌اند علی‌رغم تمام مشکلات، اقتصادشان را از نو تعریف و اجرا کنند و خودشان را از فقر و بیکاری نجات دهند. آیا کسی می‌تواند وجود مشکل را در اقتصاد کشور انکار کند؟ آیا صرفاً برگزاری چند سمینار و گردهمایی برای رفع موانع تولید نتیجه‌ای داشته و یا اصولاً می‌تواند داشته باشد؟ کدام مسئول دولتی و غیردولتی وضعیت موجود را ایده‌آل می‌یابد؟ در حال حاضر بندرت کشوری است که درگیر مسائل گفته شده باشد. وضعیت اقتصادی کشورهای غیر درگیر و درگیر به راحتی قابل دسترسی است و ادامه راه فعلی، تداوم همین وضعیت را رقم خواهد زد.

\* بخشی از سروده زنده‌یاد حسین منزوی

داشته باشیم اما متأسفانه با توجه به گرفتاری‌هایی که هر روز جلوی ما گذاشته می‌شود و وضعیت اقتصادی کشور انگیزه‌ای برای تولید انبوه نمانده است.

#### ۴ این امکان وجود ندارد که مدتی به واردات پارچه بپردازید تا در صورت بهبود شرایط، تولید را ادامه دهید؟

بله، واردات امکان‌پذیر است اما اساس کار بر این بوده که در مقابل واردات بتوانیم کالای خود را ارائه کنیم. دنبال افزایش تعرفه‌ها هم نیستیم. اگر تعرفه گمرکی کالای تمام شده کم شود و در کنار آن تعرفه مواد اولیه و قطعات یدکی و ماشین‌آلات نیز به همان نسبت کم شود، در این صورت می‌توانیم رقابت کنیم ولی متأسفانه به نظر می‌آید که کالای نهایی بدون حقوق گمرکی وارد می‌شود و در مقابل آن تعرفه‌ها و گرفتاری‌های واردات مواد اولیه و قطعات یدکی افزایش پیدا می‌کند.

#### ۴ به تولید برای صادرات فکر کرده‌اید؟

بله. از همان ابتدا بنا بر صادرات محصولات شرکت گذاشته بودیم زیرا کیفیت کار به اندازه‌ای بالاست که مصرف‌کنندگان خارجی را به خود جلب خواهد کرد؛ اما قیمت تمام شده محصولات ما به مراتب بالاتر و غیرقابل رقابت با سایر کشورهاست؛ به همین دلیل حداقل سرمایه‌گذاری در این بخش صنعت کشور را به دیگران توصیه نمی‌کنم. به اعتقاد من، نیازی به تحریم‌های خارجی نداریم زیرا خودمان را به بهترین شکل، توسعه و پیشرفت را تحریم کرده‌ایم و مانع

انداخته و سپس ناچاراً به بخش خصوصی فروختید؟ آیا کارخانه ایران پولین را بخش خصوصی به این وضع انداخته؟ چرا صدها کارخانه دولتی بسته شدند و یا در بهترین حالت در بحران عمیق به سر می‌برند؟ کدام شرکت دولتی در کشور وجود دارد که بتواند بدون رانت و وام‌های بلاعوض و یا بدون داشتن انحصار کامل برای یک محصول به‌خصوص بتواند به‌صورت اقتصادی کار کند و سود دهی داشته باشد؟ همه می‌دانیم وضعیت صندوق بازنشستگی با وجود اینکه طی سالیان متوالی کاری بجز گرفتن پول نداشته و ندارد چیست. آیا مقرر این موضوع هم مدیران بخش خصوصی هستند؟! بهترین کاری که مسئولان دولتی می‌توانند برای تولید انجام دهند این است که قوانین فعلی را کلاً ملغی کنند و سپس شاهد باشند که به تدریج اقتصاد ایران هم مانند بقیه کشورها دارای سیستم صحیح خواهد شد.

در تمام دنیا، کشورهایی که کمترین تعداد کارمند و قوانین شفاف گمرکی و یا بنادر آزاد هستند در شرایط اقتصادی و رفاهی بسیار خوبی به سر می‌برند اما کشورهای دارای سیستم‌های پیچیده و بروکراسی اداری، اقتصاد ناتوان و بیماری دارند که درمان آن بسیار دشوار است.

تعدد قوانین به همراه وسعت حقوق بگیران دولتی با اقتصاد سالم و پویا نسبت برعکس دارد و این در تمام دنیا صدق می‌کند.

ما (تولیدکنندگان) مخالف پرداخت عوارض گمرکی نیستیم اما عوارض گمرکی باید عادلانه و از تمام واردکنندگان دریافت شود. چرا یک تولیدکننده برای واردات دستگاه، هزینه‌های مختلف و کلان بپردازد اما از سوی دیگر محصول نهایی و کالای ساخته شده، بدون پرداخت یک ریال عوارض گمرکی، وارد باز کشور شود؟

#### ۴ در حال حاضر شرکت کاسپین تکمیل رز فعال می‌باشد؟

خیر هنوز به مرحله راه‌اندازی نرسیده‌ایم. تولید آزمایشی انجام شده و نواقص باید گرفته شود. بر اساس محاسبه در صورت راه‌اندازی باید صد پرسنل